

قالیباف در دیدار مقامات عراق از نشانه‌های خروج تدریجی آمریکا از منطقه گفت

نظم جدید منطقه پس از جنگ رمضان

یک روز پیش از این سخنان قالیباف، گزارش مهمی از سوی روزنامه آمریکایی واشنگتن‌پست منتشر شده بود که نشان می‌داد پنتاگون در حال بررسی آینده حضور نظامی آمریکا در غرب آسیا و به‌طور مشخص، احتمال کاهش حضور نظامی در خلیج فارس است.

واشنگتن‌پست به نقل از ۸ مقام و فرد مطلع از این بحث‌ها نوشت وزارت جنگ آمریکا در حال ارزیابی مجدد «ردیای نظامی» خود در غرب آسیاست. بر اساس این گزارش، یکی از محورهای اصلی بررسی‌ها، امکان عقب کشیدن بخشی از نیروهای نظامی آمریکا از خلیج فارس است؛ جایی که پایگاه‌های بزرگ آمریکا طی ماه‌های جنگ بارها هدف حملات ایران قرار گرفتند.

اهمیت این گزارش در آن است که پنتاگون ظاهراً به این جمع‌بندی رسیده بازسازی پایگاه‌های آسیب‌دیده دقیقاً به شکل سابق، لزوماً بهترین گزینه در برابر حملات ایران نیست و ترجیح می‌دهد انتقال ظرفیت‌های خود به سرزمین اشغالی و اردن را مطرح کند.

هر چند حتی کارشناس آمریکایی نیز اذعان کرده‌اند این جله‌جایی هم‌راهِل کاملی برای مشکل نیست؛ زیرا ایران نشان داده توانایی هدف قرار دادن اهداف دوردست در اردن و فلسطین اشغالی را نیز دارد.

به هر حال، همین اتفاق نشان می‌دهد مساله خروج یا کاهش حضور آمریکا دیگر صرفاً یک ادعا در تهران نیست و به موضوعی واقعی در محافل تصمیم‌گیری نظامی واشنگتن تبدیل شده است.

طبق گزارش واشنگتن‌پست، بیش از ۲۰۰ تأسیسات نظامی آمریکا در جریان جنگ آسیب دیده یا منهدم شده‌اند. این روزنامه پیش‌تر نیز در یک بررسی مبتنی بر تصاویر ماهواره‌ای گزارش داده بود دست‌کم ۲۲۸ سازه یا قطعه تجهیزات آمریکایی در ۱۵ پایگاه در منطقه آسیب دیده یا نابود شده‌اند.

در چنین شرایطی، مساله برای پنتاگون فقط «بازسازی چند پایگاه» نیست، بلکه پرسش بزرگ‌تر این است: ادامه استقرار گسترده نظامیان آمریکایی در پایگاه‌های ثابت و شناخته شده خلیج فارس اساساً از نظر نظامی قابل توجیه است؟

بنابراین آنچه امروز در واشنگتن جریان دارد را باید بخشی از پیامدهای مستقیم جنگ ۶ ماهه اخیر دانست. آمریکا وارد جنگ شد تا یک بار برای همیشه به معنای دقیق کلمه، با براندازی جمهوری اسلامی، ایران را تجزیه کند اما ۶ ماه بعد، یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در پنتاگون آن است که چگونه باید از نظامیان تروریست آمریکایی در برابر تون مشکی و پهنپادی ایران محافظت کرد و آیا اساساً نباید این نیروها را از منطقه خلیج فارس خارج کرد؟

سال‌ها پایگاه‌های آمریکا در خلیج فارس یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال قدرت واشنگتن در غرب آسیا بودند. بحرن میزبان مقر ناوگان پنجم آمریکا بود. کویت یکی از مراکز مهم استقرار نیروهای زمینی و هوایی آمریکا بود و کشورهای دیگر منطقه نیز میزبان بخش‌هایی از شبکه نظامی واشنگتن بودند. این شبکه به آمریکا امکان می‌داد در فاصله کوتاهی علیه هر هدفی در منطقه وارد عمل شود اما در جنگ اخیر، ایران نشان داد می‌تواند هزینه استفاده از این پایگاه‌ها برای حمله به خاک خود را بسیار بالا ببرد؛ تا جایی که اکنون خود پنتاگون در حال بررسی این مساله است که باید حضور خود را در قطعی که سال‌ها ستون فقرات قدرت نظامی آمریکا در منطقه بوده‌اند، کاهش دهد!



رئیس‌جمهور عراق نیز جنگ اخیر آمریکا و رژیم اشغالگر قدس علیه ایران را ظالمانه، تحمیلی و مغایر قواعد بین‌المللی توصیف کرد و گفت: پیامدهای آن نه فقط ایران، بلکه کل منطقه و عراق را تحت تأثیر قرار داده است. آمیدی افزود: بغداد از برقراری ثبات در منطقه حمایت می‌کند و در این مسیر از جمهوری اسلامی ایران پشتیبانی خواهد کرد. سومین دیدار قالیباف در نخستین روز سفر نیز با «علی‌الزیدی» نخست‌وزیر عراق انجام شد؛ دیداری در ادامه رایزنی‌های رئیس‌مجلس با مقامات عالی‌رتبه بغداد که در آن نیز موضوعات دوجانبه و تحولات منطقه مورد بحث قرار گرفت.

■ **آمریکا به دنبال خروج از منطقه است**

شاید مهم‌ترین بخش سفر قالیباف به عراق، موضعی باشد که وی هم پیش از دیدار با مقامات این کشور و هم در جریان گفت‌وگوهای خود مطرح کرد: آمریکا دیگر در موقعیت گذشته برای ماندن در منطقه قرار ندارد و نشانه‌های خروج تدریجی آن در حال آشکار شدن است. رئیس‌مجلس حتی پیش از آغاز دیدارهای رسمی خود، با انتشار پیامی عربی در شبکه اجتماعی ایکس و انتشار تصویری از محل شهادت سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی و ایومهدی مهندس، تحولات منطقه را از همین زاویه تحلیل کرد. وی نوشت: «بومهدی و حاج قاسم عزیز! این ثمره مجاهدت و خون پربرکت شمامست در نظم جدید منطقه پس از جنگ رمضان، دخالت بیگانگان در معادلات بین کشورها به‌سرعت در حال کاهش است. نظامیان آمریکایی به دنبال خروج آبرومندانه از منطقه هستند و رژیم صهیونیستی خیال نهر تا بحر را حتی در رویاهایش نیز نخواهد دید».

نامانی و مداخلات خارجی، مشکلات منطقه قابل حل خواهد بود. دومین دیدار مهم قالیباف در نخستین روز سفر، با «نزار امیدی» رئیس‌جمهور عراق انجام شد؛ دیداری که در آن نیز موضوع جنگ اخیر، نقش آمریکا در تهدیدات منطقه‌ای و ضرورت شکل‌گیری یک سازوکار امنیتی منطقه‌ای بدون اتکا به قدرت‌های فرامنطقه‌ای، محور اصلی گفت‌وگوها بود.

رئیس‌قوه مقننه در این دیدار به جنگ اخیر آمریکا علیه کشورمان اشاره و اظهار کرد: ایران و عراق به این جمع‌بندی رسیده‌اند مشکل اصلی و عامل بخش مهمی از بحران‌های منطقه، آمریکا و سیاست‌های استکباری آن کشور، همچنین اقدامات رژیم صهیونیستی است. همچنین جنگ اخیر بار دیگر ثابت کرد کشورهای اسلامی بیش از هر زمان دیگری نیازمند هم‌کاری و اتکا به ظرفیت‌های داخلی منطقه‌هستند.

رئیس‌مجلس شورای اسلامی همچنین به مشکلات ایجادشده در خلیج فارس و اختلال در صادرات نفت اشاره کرد و مسؤولیت این وضعیت را متوجه آمریکا و جنگ‌طلبی واشنگتن دانست. قالیباف ادامه داد: کشورهای منطقه باید از تجربه جنگ اخیر درس بگیرند و دریابند آمریکا لزوماً حافظ امنیت آنها نیست، بلکه در بسیاری موارد، حضور نظامی آن خود به عامل بی‌ثباتی تبدیل می‌شود.

رئیس‌مجلس در ادامه بر ظرفیت ایران و عراق برای ایفای نقش در ایجاد ثبات منطقه تأکید و بیان کرد کشورهای اسلامی و کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌توانند با وحدت و بدون دخالت خارجی، ثبات و آرامش را در منطقه ایجاد کنند.

روایت دیدار با خانواده پاسدار شهید «سمانه گودرزی»

یک قاب و ۲ سمانه



روضة رفتن‌ها می‌دانست؛ارتباطی که با معصومین داشت و خلوص قلبی‌ای که در این رابطه پیدا کرده بود. می‌گفت سمانه در زندگی‌اش معتقد بود خدا هر لحظه هست و ما را می‌بیند. مشکلاتش را در حضرت زهرا(س) می‌میان می‌گذاشت. بعد ر سسید به روزهای شهادت آقا. آن روزها خواهر مؤمن و غیرتمند بود و از اخلاص خود سمانه. دوباره به همان حال برادرش بود و از شهادت آقا دل‌تنگ و گریان. برادر تلاش کرده بود آرامش کند. بعد از عوامل رزق شهادت گرفتن خواهرش گفت؛ اول از نان حاللی که پدر به خانه آورده بود، بعد از شخصیت مادر که زنی مؤمن و غیرتمند بود و در نهایت، از اخلاص خود سمانه. دوباره به همان جملهای برگشت که سمانه روز شهادت گفته بود: «مروز نرم، کی برم؟» می‌گفت سمانه با اینکه از شهادت آقا به‌شدت ناراحت بود، برادر بار بود و همه کشور هم تعطیل شده بود، باز هم دغدغه کارش را داشت. برای او، همین جمله و رفتن سمانه سر کار، نشانه غیرت و تعهدی بود که در وجود خواهرش می‌دید.

صحبت خانواده که تمام می‌شود، خواهر کوچک‌تر بلند می‌شود و با چند سر رسید برمی‌گردد. از ظاهر شان پیداست دفترهای سمانه‌اند. روی میز می‌گذارد تا میهمان‌ها نگاه کنند. منتظرمد دیدار تمام‌شود تا بروم سراغ‌شان. نوبت صحبت خانواده شهدای مدافع حرم می‌رسد به دیوارهای خانه و کتیبه‌های عزای اباعبدالله نگاه می‌کنم. محرم و صفر تمام شده اما پرچم‌ها همچنان بر دیوارهاست. رسم است بعد از پایان صفر، پرچم‌ها را جمع می‌کنند اما در بعضی خانه‌ها، عزاداری نه‌تنها در قلب‌ها که در ظاهر خانه نیز تاریخ انقضا ندارد. پرچم‌ها فقط برای یک مناسبت است، بخشی از زندگی است... به پرچم مشکئی حرم امام حسین علیه‌السلام که به دیوار رویرویم نصب شده نگاه می‌کنم و این سؤال در ذهنم می‌آید: اگر مدافعان حرم نبودند، امروز چه وضعیتی در عتبات داشتیم؟ بعد یاد سردار شهید حاج‌قاسم سلیمانی می‌افتم؛ فرمانده همان مردانی که رفتند تا این حرم‌ها

گفته بود: «هوای بچه‌هامو داشته باش».

این آخرین حرف‌های او در خانه مادر بود. بعد نوبت خواهر کوچک‌تر رسید. از ساعت‌ها و روزهایی گفت که دنبال پیکر خواهرش می‌گشت؛ هم به ساختمان محل اصابت رفته بود و هم بیمارستانی که گفته بودند پیکرها را به آنجا منتقل کرده‌اند اما چیزی پیدا نشده بود که نشده بود. فائزه از همسایه‌هایی گفت که بعد از اصابت

موشک‌ها آمده بودند هلهله می‌کردند و از اینکه دشمن این ساختمان را زده، خوشحال بودند. می‌گفت: «ادم روضه مصور می‌دید».

از دست‌نوشته‌های خواهرش گفت؛ از بیتی که سمانه یک بار در دفترش نوشته بود: «سه روز بعد وفاتم مرا کفن نکنید/ که من غلامم و ارباب بی کفن دارم» و دقیقاً ۳ روز بعد از شهادتش، با توسل خواهرش به حضرت زهبا، آنچه از سمانه باقی مانده بود، پیدا شد؛ مقداری مو، قسمتی از پا و دستی که او را از انگشتش شناختند. خواهر شهید می‌گفت به مادرم می‌گفتم: «وقتی سمانه را به دنیا آوردی، یک کیلو و خردهای بود و حالا هم همان مقدار را به خدا برمی‌گردانی». سمانه وقتی به دنیا آمده بود تنها نبوده؛ دوقلوئی داشت و وقتی از دنیا رفت هم تنها نبوده؛ جنینی ۶ ماهه همراهش بود. این جمله را فائزه با بغض گفت.

پدر سمانه بعد از صحبت درباره تعهد دخترش به کار و ارتباطش با اهل بیت، ماجرای هلهله همسایه‌ها را بازگو کرد. می‌گفت همان لحظه یاد حضرت زینب افتادم. مردم برای تسلیت و سرسلامتی به ما آمدند اما با خودم فکر می‌کردم حضرت زینب چه کشیدند؛ نه‌تنها کسی نبود دل‌داری‌شان بدهد، بلکه در شام، یزیدی‌ها برای مصیبت اهل بیت هلهله و شادی می‌کردند.

بعد نوبت خواهر دوقلوئی سمانه شد کنار قاب عکس خواهرش نشستسته بود؛ درست کنار همان پرچم‌های که نسخه زنداش رویه‌رویم نرسخته بود. آنقدر شبیه بودند که مدام به عکس و خودش نگاه می‌کردم. از چهره‌اش هم می‌شد فهمید بعد از گذشت ۶ ماه، در دلش چه غوغایی است. از نوجوانی‌شان گفت؛ از روزهایی که با هم به بنیاد شهید می‌رفتند، آمار شهدای محله را درمی‌آوردند و بعد هر هفته در محله، یکی از شهدا را معرفی می‌کردند. یک بار هم در محله، یادواره شهدا برگزار کرده بودند. سال‌های بعد هم سمانه برای شهدای مدافع حرم خیلی تلاش کرده بود؛ به‌خصوص به شهدای فاطمیون علاقه خاصی داشت. می‌گفت این شهدا مظلومیت خاصی دارند و یک یادواره هم برای آنها به نام حضرت زهبا گرفته بود. از ویژگی‌های دیگر خواهرش گفت؛ اینکه «روضه‌گرد» بود. از این روضه به آن روضه می‌رفت. این را مادر هم پیش‌تر گفته بود و خواهر دیگرشان هم از علاقه زیاد سمانه به اهل بیت، به‌خصوص امام حسین(ع) حرف زده بود. خواهر دوقلو، نقطه عطف زندگی سمانه را همین

رئیس‌مجلس شورای اسلامی برای سفری ۲ روزه به عراق، صبح دیروز وارد بغداد شد؛ سفری که اگر چه در ظاهر با هدف توسعه مناسبات پارلمانی، سیاسی و اقتصادی تهران و بغداد انجام شده اما مجموعه دیدارها و مواضع مطرح‌شده در جریان آن، ابعادی فراتر از روابط دوجانبه ایران و عراق پیدا کرده است. در شرایطی که منطقه غرب آسیا همچنان تحت تأثیر جنگ ۶ ماهه آمریکا علیه ایران قرار دارد و آینده حضور نظامی واشنگتن در منطقه به یکی از موضوعات جدی محافل سیاسی و نظامی آمریکا تبدیل شده، سفر محمدباقر قالیباف به بغداد را می‌توان سفری مهم در تبیین نظم جدید منطقه‌ای و مناسبات آینده کشورهای منطقه دانست.

رئیس‌قوه مقننه در نخستین روز سفر، ابتدا با «هیبت حلبوسی» رئیس پارلمان عراق دیدار و گفت‌وگو کرد. وی در آغاز این دیدار ضمن تبریک تشکیل پارلمان عراق و انتخاب حلبوسی به ریاست آن، از دولت و ملت عراق بابت حضور گسترده در مراسم تشییع رهبر شهید انقلاب اسلامی، همچنین میزبانی از زائران اربعین حسینی قدردانی و اظهار کرد دولت، ملت، عشایر و همه موجودیت عراق در میزبانی از زائران حسینی، نیز در مراسم تشییع «مام شهیدمان» سنگ تمام گذاشتند بخش دیگر سخنان قالیباف در این دیدار، به تحلیل او از تحولات منطقه و نتایج جنگ اخیر اختصاص داشت. رئیس‌مجلس به‌صراحت، آمریکا و رژیم صهیونیستی را عامل اصلی بحران‌های منطقه معرفی کرد و با اشاره به جنگ سوم تحمیلی علیه ایران گفت: ملت ایران با مقاومت وفاداری، تون نیروهای نظامی و تدابیر فرمانده کل قوا توانست همیشه آمریکا را بشکند و آن کشور را به نقطه‌ای برساند که اکنون از یک سو خروج از جنگ برایش هزینه حیثیتی دارد و از سوی دیگر ادامه جنگ، مشکلات بیشتری برایش ایجاد خواهد کرد.

قالیباف از این تجربه به عنوان درسی برای «استکبار و کل دنیا» یاد و تأکید کرد: «مقاومت، تنها راه پیروزی است و اگر آماده جنگ نباشیم، مذاکره هم ثمری نخواهد داشت».

در این دیدار، رئیس‌مجلس بر ضرورت تقویت مناسبات ایران و عراق نیز تأکید و بیان کرد ار ارتباطات پارلمانی، اعزام گروه‌های دوستی و فعال‌تر شدن مجالس ۲ کشور می‌تواند به تسهیل روابط کمک کند. وی در حوزه اقتصادی نیز ۳ محور مشخص را به عنوان اولویت‌های ۲ کشور برشمرد: اتصال راه‌آهن شلمچه-بصره، لایروبی اروندرود و توسعه روابط اقتصادی و بازارچه‌های مرزی. قالیباف در عین حال تصریح کرد روابط اقتصادی ایران و عراق هنوز به اندازه روابط سیاسی و فرهنگی ۲ کشور توسعه نیافته و باید این ضعف برطرف شود.

حلبوسی نیز در این دیدار، با اشاره به جنگ اخیر، ایستادگی ملت ایران در برابر تجاوزات دشمن را مورد تمجید قرار داد و تأکید کرد مردم، دولت و شخصیت‌های سیاسی عراق با تجاوز علیه ایران مخالف بوده و هستند.

رئیس پارلمان عراق همچنین به موضوع مهم خروج نیروهای آمریکایی از کشورش اشاره کرد و از «قریب‌الوقوع» بودن این خروج سخن گفت. حلبوسی همچنین به توسعه مناسبات اقتصادی با ایران تأکید کرد و خواستار تسهیل صادرات نفت عراق از مسیر تنگه هرمز شد. قالیباف نیز در پاسخ، نامانی به منطقه و اختلال در مسیر تجارت و انرژی را نتیجه جنگ و مداخلات آمریکا دانست و تأکید کرد: با رفع

بمانند. دستم را روی عکس شهید سلیمانی که روی جلد دفترم است می‌کشم. دلم برایش تنگ می‌شود. مادر شهید مجید قربان خانی صحبتش را با جمله‌ای شروع می‌کند که فضای خانه را عوض می‌کند و همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد: «مروز تولد مجیدمه‌ما» و از مجیدش می‌گوید؛ از ۴ سالی که گذشت تا فقط چند تکه استخوان سوخته از او پیدا شد. از وابستگی‌اش به پسرش؛ اینکه دوست داشت مجید را دهماد کند و سال‌ها روسری مشکی‌اش را از سر برنداشت. از دیدار با آقای شهید می‌گوید؛ ۸ سال بعد از شهادت مجید؛ وقتی در دیدار ایشان به او گفتند «مشکی را در بیاورید. اگر می‌دانستید شهدا الان چه جایگاهی دارند، این دانستن باعث شادی‌تان می‌شد». انگار همان دیدار چیزی را در دل مادر تغییر داده بود. حالا از مجیدش با افتخار حرف می‌زد و می‌گفت: «قشنگیایی که الان دارم می‌بینم. اون موقع که جسم مجید کنارم بود نمی‌دیدم». این حرف‌ها و جملات مادر شهید، اشک به چشم خیلی‌های‌مان می‌آورد. همسر شهید صدرزاده از روزهایی می‌گوید که گاهی احساس بی‌پناهی کرده و تنها چیزی که آرامش کرده، روایت‌های عاشورا و حضرت اباعبدالله بوده است. می‌گوید خانواده‌های شهدا با همه مصیبت‌ها و غم‌هایی که کشیده‌اند، هنوز خوششان را شرمندۀ اهل بیت می‌دانند. فراق سخت و سنگین است. آدم گاهی در تنهایی و اوج دل‌تنگی، مثل بچه پنهان عزیزش را می‌گیرد اما همان لحظه که فکر می‌کند عزیزش حالا پیش حضرت سیدالشهدا و اهل بیت است، دوباره سربرلند می‌شود. همسر شهید «محمدجعفر حسینی» از خانواده‌شهدای فاطمیون؛ از نگاه تازه‌ای می‌گوید که شهادت همسرش به او داده است؛ از صبر و جرأتی که خود شهید به خانواده‌اش بخشیده و بعد رو به خانواده سمانه می‌کند و می‌گوید این صبر را به شما هم داده‌اند و از آنها می‌خواهد برای‌شان دعا کنند.

مجلس مثل همیشه، با روضه و ذکر مصیبت تمام می‌شود. این بار روضه حضرت زهبا و حضرت علی‌اصغر خوانده می‌شود به خاطر علاقه خاصی که شهید گودرزی به ایشان داشته است. میهمان‌ها که آماده رفتن می‌شوند، می‌سراغ سررسیده‌ها می‌روم. ورق‌شان می‌زنم. گاهی خاطره است، گاهی دل‌نوشته، گاهی شعر و گاهی برزانه روزانه و فهرست کارهایی که باید انجام می‌داده. زندگی‌اش، میان همین صفحه‌ها پخش شده است. خطش بسیار زیباست. در چند صفحه، خطوطی را با قلم نوشته و آنقدر خطش زیباست که شک می‌کنم واقعا دست خط خودش باشد. از خواهر دوقلویش می‌پرسم و تأیید می‌کند. بعد خاطره‌ای از سال‌های اول دیستان‌شان تعریف می‌کند؛ اینکه یک بار با زرس به مدرسه آمده و آنقدر از زیبایی خط سمانه تعجب کرده که دربراهش حرف زده است. از همه خداحافظی می‌کنم و از خانه پدري زنی بیرون می‌آیم که به واسطه شغلش شهید شد؛ زنی که تا آخرین لحظه، با همه شرایطی که داشت، ایستاد و کارش را راها نکرد. با جنینی در بطن، برای حفظ اسلام و کشورش ایستاد؛ برای اجرای فرامین رهبرش. می‌توانست به خاطر شرایط خاص جسمی‌اش شانه خالی کند اما ماند و استقامت کرد و مزدش را گرفت. هنیئا که سمانه خاتم شهید؛ هنیئا لک.

